



رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه هنگام بازگشت از سفر به جمهوری آذربایجان در پاسخ به سوّالی درباره آنچه باکو و آنکارا با عنوان جعلی «کریدور زنگزور» از آن نام می‌برند، گفت: «درباره زنگزور مشکلی یا ارمنستان وجود ندارد. مشکل زنگزور ناشی از ایران است، یعنی دو کشوری که اکثریت جمعیت آنها مسلمان هستند. مواضع مشکلسازی ایران درباره کریدور (جعلی) زنگزور هم البته باید ایرانی‌ها هم ناراحتی احساس کنند. در اینجا اخذ عوارض برای هر واگن بسیار زیاد است و باید ترکیه و (جمهوری) آذربایجان و ایران با همدیگر هماهنگ شوند و در آن صورت خطوط یکن- لندن گشوده خواهد شد.»

■ ■ ■

اردوغان که به دنبال تغییرات در قانون اساسی ترکیه است، در حال حاضر در عمل سومین و آخرین دوره ریاست جمهوری ترکیه را می‌گذراند. او بلافاصله پس از پیروزی در انتخابات ابتدا به جمهوری خودخوانده قبرس شمالی و سپس به باکو سفر کرد تا اولویت‌های سیاست خارجی خود را که همان «ژئوپلیتیک نهاجمی» مبتنی بر پان ترکیسم و نئوعثمانی‌گری است، در معرض نمایش قرار دهد. او در سفر به باکو از یک سو کوشید از خاندان علی‌اف به دلیل میلیون‌ها دلار کمک انتخاباتی که از جیب مردم جمهوری آذربایجان برای پیروزی خود در «انتخابات مهندسی شده ریاست جمهوری ترکیه» خرج کرده‌اند، تشکر کند و از سوی دیگر به حاکم باکو که به ویژه بعد از جنگ دوم قرمباغ با تشدید کارگزاری برای ناتو (با محوریت انگلستان) و رژیم صهیونیستی، قمارگونه سرنوش خاندان علی‌اف را به کریدور جعلی زنگزور باهمان «دالان تورانی ناتو» پیوندزده، امیدو اطمینان دهد که آنکارا پیگیر این طرح است. در چنین فضایی است که اردوغان ۹۶ساله با نوعی تجاهل سیاسی، بزرگ‌ترین فتنه ژئوپلیتکی قرن در قفقاز را به یک موضوع ترازیتی (حرکت واگن‌ها) تقلیل داده و ایران را بزرگ‌ترین مانع این طرح زیبا از منظر آنکارا قلمداد کرده است.

در این خصوص طرح و یادآوری هفت نکته برای اردوغان و همفکرانش، ضروری به نظر می‌رسد.

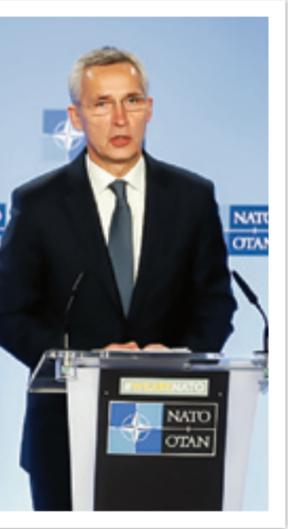
■ **زمینه‌سازی تجزیه ارمنستان**

اردوغان مدعی شده است درباره «کریدور جعلی زنگزور» مشکلی با ارمنستان وجود ندارد. وی تلاش کرده حضور پاشینیان در مراسم تحلیف ریاست جمهوری ترکیه را به عنوان شاهد این مدعا بیاورد. با وجود این، به این سؤال پاسخ نمی‌دهد که چرا پس از دو سال تهدید، تجاوز نظامی، تلطیع و شش‌تاژ رسانه‌ای، ایروان مصرا نه بر مخالفت بر هر گونه «کریدور فرانس‌رژیمی» که ناقض حاکمیت و تمامیت ارضی ارمنستان باشد»، تأکید می‌کند. واقعیت این است که پاشینیان از گشایش خطوط مواصلاتی عادی بین آذربایجان با نخجوان طبق موافقتنامه سه‌جانبه مسکو (۲۰۲۰) به شرط حاکمیت ایروان استقبال می‌کند چرا که ای سو، وی مورد انزجار جوامع دیاسپورای ارمنی که نقش مهمی در تأمین بودجه ارمنستان در سه دهه اخیر داشته‌اند، است، بنابراین نیاز دارد از مزایای اقتصادی عبور خط آن استفاده کند. از سوی دیگر پاشینیان به‌رغم اینکه محصول انقلاب رنگین امریکایی سال ۲۰۱۸ در ارمنستان است، به خوبی می‌داند دادن کریدور فرانس‌رژیمی به باکو و آنکارا زمینه‌سازی جدی برای «تجزیه ارمنستان، تأسیس جمهوری خودخوانده زنگزور و تکرار فجایع تاریخی عثمانی علیه ارمنه» است، بنابراین وی اهماک مکر مطامع ژئوپلیتکی باکو و آنکارا در «جشم‌پوشی از قرمباغ، مجاب کردن باکو به شناسایی مرزهای بین‌المللی کنونی (ارمنستان با مساحت

۱۱۰ هزار کیلومتر مربع) و باز گشایی عادی خطوط مواصلاتی تحت حاکمیت ایروان» می‌داند، اگر چه ترجیح آقای پاشینیان این است که به جای «هیروهای مرزبانی سروسرین امنیت فدرال روسیه»، «هیروهای به اصطلاح صلح‌بان یا نظراتحادیه اروپا» بر این خطوط مواصلتی نظارت بکنند که البته در دستیابی به این هدف موفق نبوده است.

علی‌احمال مبرهن است که برخلاف ادعای اردوغان، دولت پاشینیان موفق «کریدور جعلی زنگزور» نیست و به خوبی می‌داند که دادن کریدور فرانس‌رژیمی به باکو و آنکارا از زمینه‌سازی جدی برای تجزیه ارمنستان، تأسیس جمهوی خودخوانده زنگزور و تکرار فجایع تاریخی عثمانی علیه ارمنه» است، بنابراین وی اهماک مکر مطامع ژئوپلیتکی باکو و آنکارا در «جشم‌پوشی از قرمباغ، مجاب کردن باکو به شناسایی مرزهای بین‌المللی کنونی (ارمنستان با مساحت

۱۱۰ هزار کیلومتر مربع) و باز گشایی عادی خطوط مواصلاتی تحت حاکمیت ایروان» می‌داند، اگر چه ترجیح آقای پاشینیان این است که به جای «هیروهای مرزبانی سروسرین امنیت فدرال روسیه»، «هیروهای به اصطلاح صلح‌بان یا نظراتحادیه اروپا» بر این خطوط مواصلتی نظارت بکنند که البته در دستیابی به این هدف موفق نبوده است. علی‌احمال مبرهن است که برخلاف ادعای اردوغان، دولت پاشینیان موفق «کریدور جعلی زنگزور» نیست و به خوبی می‌داند که دادن کریدور فرانس‌رژیمی به باکو و آنکارا از زمینه‌سازی جدی برای تجزیه ارمنستان، تأسیس جمهوی خودخوانده زنگزور و تکرار فجایع تاریخی عثمانی علیه ارمنه» است، بنابراین وی اهماک مکر مطامع ژئوپلیتکی باکو و آنکارا در «جشم‌پوشی از قرمباغ، مجاب کردن باکو به شناسایی مرزهای بین‌المللی کنونی (ارمنستان با مساحت



۲۹هزار و ۸۰۰ کیلومتر مربع) و باز گشایی عادی خطوط مواصلاتی تحت حاکمیت ایروان» می‌داند، اگر چه ترجیح آقای پاشینیان این است که به جای «هیروهای مرزبانی سروسرین امنیت فدرال روسیه»، «هیروهای به اصطلاح صلح‌بان یا نظراتحادیه اروپا» بر این خطوط مواصلتی نظارت بکنند که البته در دستیابی به این هدف موفق نبوده است. علی‌احمال مبرهن است که برخلاف ادعای اردوغان، دولت پاشینیان موفق آنچه به عنوان «کریدور جعلی زنگزور» خوانده می‌شود، نبوده و نخواهد بود. فراتر از این نگاه پاشینیان، جامعه ارمنی با مشاهده «فشار کنونی باکو با جمهوری خودمختار قرمباغ، انسداد دهلیز لاجچین و مدیریت سیستم‌تاریک نفرت‌برانگیزی علیه ارمنه توسط شخص علی‌اف»، معتقدند بر اساس منافع درازمدت ارمنستان و امال تاریخی ارمنه تا زمانی که طمع‌ورزی ارضی بر سیاست‌های دولتی باکو و آنکارا حاکم است، حتی خطوط مواصلاتی بین جمهوری آذربایجان و نخجوان به صورت عادی هم نباید بازگشایی شوند.

بر خلاف ادعای اردوغان، ایران با از تباطات ترازیتی و گشایش خطوط مواصلاتی عادی در قفقاز از جمله بین جمهوری آذربایجان و ارمنستان و بین روسیه و گرجستان مخالف نیست، بلکه مخالف اجرای فتنه ژئوپلیتکی «دالان تورانی

۲۹هزار و ۸۰۰ کیلومتر مربع) و باز گشایی عادی خطوط مواصلاتی تحت حاکمیت ایروان» می‌داند، اگر چه ترجیح آقای پاشینیان این است که به جای «هیروهای مرزبانی سروسرین امنیت فدرال روسیه»، «هیروهای به اصطلاح صلح‌بان یا نظراتحادیه اروپا» بر این خطوط مواصلتی نظارت بکنند که البته در دستیابی به این هدف موفق نبوده است.

علی‌احمال مبرهن است که برخلاف ادعای اردوغان، دولت پاشینیان موفق «کریدور جعلی زنگزور» نیست و به خوبی می‌داند که دادن کریدور فرانس‌رژیمی به باکو و آنکارا از زمینه‌سازی جدی برای تجزیه ارمنستان، تأسیس جمهوی خودخوانده زنگزور و تکرار فجایع تاریخی عثمانی علیه ارمنه» است، بنابراین وی اهماک مکر مطامع ژئوپلیتکی باکو و آنکارا در «جشم‌پوشی از قرمباغ، مجاب کردن باکو به شناسایی مرزهای بین‌المللی کنونی (ارمنستان با مساحت

# مسکو– تهران – پکن مقابل دالان تورانی تجزیه ارمنستان

## آقای اردوغان لطفاً مواظطه نکنید



۲۹هزار و ۸۰۰ کیلومتر مربع) و باز گشایی عادی خطوط مواصلاتی تحت حاکمیت ایروان» می‌داند، اگر چه ترجیح آقای پاشینیان این است که به جای «هیروهای مرزبانی سروسرین امنیت فدرال روسیه»، «هیروهای به اصطلاح صلح‌بان یا نظراتحادیه اروپا» بر این خطوط مواصلتی نظارت بکنند که البته در دستیابی به این هدف موفق نبوده است.

علی‌احمال مبرهن است که برخلاف ادعای اردوغان، دولت پاشینیان موفق آنچه به عنوان «کریدور جعلی زنگزور» خوانده می‌شود، نبوده و نخواهد بود. فراتر از این نگاه پاشینیان، جامعه ارمنی با مشاهده «فشار کنونی باکو با جمهوری خودمختار قرمباغ، انسداد دهلیز لاجچین و مدیریت سیستم‌تاریک نفرت‌برانگیزی علیه ارمنه توسط شخص علی‌اف»، معتقدند بر اساس منافع درازمدت ارمنستان و امال تاریخی ارمنه تا زمانی که طمع‌ورزی ارضی بر سیاست‌های دولتی باکو و آنکارا حاکم است، حتی خطوط مواصلاتی بین جمهوری آذربایجان و نخجوان به صورت عادی هم نباید بازگشایی شوند.

بر خلاف ادعای اردوغان، ایران با از تباطات ترازیتی و گشایش خطوط مواصلاتی عادی در قفقاز از جمله بین جمهوری آذربایجان و ارمنستان و بین روسیه و گرجستان مخالف نیست، بلکه مخالف اجرای فتنه ژئوپلیتکی «دالان تورانی ۲۹هزار و ۸۰۰ کیلومتر مربع) و باز گشایی عادی خطوط مواصلاتی تحت حاکمیت ایروان» می‌داند، اگر چه ترجیح آقای پاشینیان این است که به جای «هیروهای مرزبانی سروسرین امنیت فدرال روسیه»، «هیروهای به اصطلاح صلح‌بان یا نظراتحادیه اروپا» بر این خطوط مواصلتی نظارت بکنند که البته در دستیابی به این هدف موفق نبوده است.

ناتو و همچنین تبدیل شدن دولت باکو به یک دولت تحت‌الحمایه آنکارا، امیدوار است با گشایش کریدور جعلی زنگزور یک گام جدی به سوی تحقق امیال نئوعثمانی و جبران شکست‌های سیاست خارجی خود بردارد اما «این‌ره که تو می‌روی به ترکستان است» و امکانی برای تحقق آن وجود ندارد، آن هم به یک دلیل روشن، چون هم ایران و هم روسیه و چین فرقی «کریدور ترازیتی» را با «دالان تورانی ناتو» یا «خط اتصال قومی استانبول به مناطق ناراضی اوفغوری چین» می‌دانند، اگر چه «چین، روسیه و ایران» با «کریدور میانی» به عنوان یکی از گزینه‌های البته «فرعی اتصال شرق به غرب» آن هم به شرط «عدم‌پیگیری تغییرات ژئوپلیتکی در منطقه» و اجرای آن از همان مسیر فعلی «اتصال آسیای مرکزی به دریای کاسپین و از آنجا به جمهوری آذربایجان و گرجستان» (از طریق خط‌آهن باکو– تفلیس– قارص موسوم به خط‌آهن ابریشمی) مخالف نیستند، ولی آنجا که «کریدور میانی» از مسیر طبیعی خود خارج شود و وارد حوزه امیال تغییرات مرزی و ژئوپلیتکی شود و به عنوان بیوست «سازمان به اصطلاح کشورهای ترک» و بستر «هاتوی ترکی» عمل کند، تردیدی نیست که هر سه کشور مذکور در مقابله با آن عزم جدی داشته و دارند و ترکیه هم به خوبی از این موضوع آگاه است.

■ فقط ۲/۵میلیون رای بیشتر

این تصور که نتایج انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی اخیر ترکیه پشت‌وانه‌ای برای ماجراجویی‌های احتمالی اردوغان در قفقاز است، اشتباه می‌باشد. نتایج انتخابات ریاست

جمهوری ترکیه که در آن سیاست خارجی اردوغان به ویژه در حوزه قفقاز و غرب آسیا به شدت در معرض انتقاد مخالفان قرار گرفت، نشان داد با دو قطبی شدن جامعه ترکیه، مخالفت‌های جدی در میان مردم ترکیه با رویکردهای حزب عدالت و توسعه وجود دارد. اردوغان تنها حدود ۷۵میلیون پیروزی اردوغان نتایج «فرایند مهندسی انتخابات» بوده است که اجزای آن شامل «حذف رسانه‌های اصلی مخالفان و تخریب آنها، پرورنده‌سازی برای اکرم اسام اوغلو، حذف انتخاباتی محرم اینچه، مدیریت پدیده اوغلان با همکاری باکو، اعطای تابعیت به ۳ میلیون پناهنده سوری و غیرسوری و عدم‌مشارکت ۸میلیون نفر در انتخابات به دلیل باور آنها به مهندسی انتخابات» بود. عدم‌استقبال بازارهای مالی ترکیه از نتایج انتخابات نیز گواه دیگری بر جایگاه حزب عدالت و توسعه در این دوره است.

اگر واقعاً اردوغان به دنبال اتصال پکن به استانبول و لندن است این اتصال در حال حاضر از دو مسیر یعنی کریدور میانی (چین، آسیای مرکزی، دریای کاسپین) و خط آهن باکو– تفلیس– قارص –

همچنین مسیر اقتصادی و صرفه ریلی «چین– قزاقستان– ترکمنستان– ایران– ترکیه» برقرار است. همچنین اگر اردوغان واقعاً به دنبال اتصال صرف ترازیتی جمهوری آذربایجان به نخجوان است، علاوه بر خطوط مواصلاتی عادی هوایی و ریلی از ارمنستان، سه دهه است که به‌رغم ناسیاسی باکو، جمهوری آذربایجان بدون هیچ مانعی از طریق خاک ایران به نخجوان متصل است. ضمن اینکه تفاهنامه تقویت این مسیر از طریق بزرگراه ۵۵کیلومتری زنگیلان– نخجوان اسفند ۱۴۰۰ بین تهران و باکو امضا شده است، بنابراین مانعی در منطقه برای ارتباطات ترازیتی وجود ندارد و تنها مشکل، طرح‌های فتنه‌انگیز ژئوپلیتکی و قومی ناتو (با محوریت انگلستان) و رژیم صهیونیستی است که در چنین شرایط باکو و آنکارا نقش پیمانکاری برای آنها را ایفا می‌کنند.

## د

مشکل امروز قفقاز و همچنین مشکل گذشته آن، طمع‌ورزی‌های ژئوپلیتیکی ترکیه بوده که در گذشته در قالب رقابت‌های مخرب عثمانی و روس‌های تزاری نمود پیدا کرده‌اند که طمع‌ورزی‌هایی که به تأسیس په اصطلاح «جمهوری ارس» و حمایت از سرقت نام آذربایجان توسط مساواتیان در همان سال انجامید، یکی از آنهاست

## د

نکته پایانی در خصوص اظهارات اردوغان اینکه وی طی دوده‌اخیر به ویژه پس از ماجرای «وان مینوت (یک دقیقه) در ژانویه ۲۰۰۹ و کودک‌کش خواندن شیمون یوز در داووس

سوتیس و ماجرای حمله رژیم اسرائیل به کاروان آزادی غزه (۲۰۱۰)، سعی کرده‌است در قامت یک رهبر اسلامی مدافع فلسطین ظاهر شود، بنابراین سوالی که می‌توان از اردوغان پرسید اینکه آیا خبر دارد در نتیجه حمایت‌های وی از الهام علی‌اف – که اندیشکده‌های امریکایی نظیر «مریکن اینترپرایز» و «چهره‌هایی مانند «هایکل روبین»، احتمال آینده وی را با «صدام حسین» مقایسه کرده‌اند – بر چه‌های رژیم کودک‌کش صهیونیستی در سراسر خاک اسلامی جمهوری آذربایجان به‌هناز درآمده است و برخلاف قاعده قرآنی «قتی سبیل» و در سایه خیانت‌های خاندان علی‌اف، صهیونیست‌ها بر بسیاری از امور زیربنایی جمهوری آذربایجان تسلط پیدا کرده‌اند؟ اردوغان یا از این موضوع خبر ندارد یا اینکه اشغال امنیتی، سیاسی و اقتصادی کل جمهوری آذربایجان توسط رژیم صهیونیستی را بهتر از اشغال ۲۰درصد این کشور توسط جدایی‌طلبان ارمنی می‌داند، اگر اردوغان واقعاً به همان عثمانی‌گری هم معتقد باشد، باید منش مثالی‌زدنی سلطان عبدالحمید عثمانی را در مواجهه با صهیونیست‌ها در پیش می‌گرفت، اما وی اسفند ۱۴۰۰ و به اصطلاح برادرش الهام علی‌اف – که در سفر اخیر اردوغان به باکو در قامت راننده‌وی ظاهر شد– ۹ خرداد جاری و هم‌زمان با تشدید بززمه‌های شکست‌طرح ابراهام (عادی‌سازی روابط رژیم صهیونیستی و اعراب)، هر دو میزان هزرتا توگ ژ رئیس رژیم کودک‌کش صهیونیستی بوده‌اند. امروزه بر کسی پوشیده نیست که آنکارا برای به دست آوردن امتیاز انتقال گاز رژیم صهیونیستی از گاز غنبدشبه فلسطینی‌ها) از ترکیه به اروپا حاضر است گام‌های بیشتری را برای پشت کردن به ارمان فلسطین بردارد، بنابراین ادامه این روند نه تنها کارنامه شکست‌های سیاست خارجی ترکیه را بیشتر می‌سازد، بلکه بر وجهه ترکیه در جهان اسلام خدشه جدی وارد می‌کند، اما آن بخش که مربوط به ایران می‌شود، این است که چنانچه عادی‌سازی روابط ایران و عربستان سعودی نشان داد تهران تا حدودی تسویه‌حسابات باهمه همسایگان خود است، اما اگر همسایه‌ای باشتباهات محاسباتی ناشی از تحریم و مشکلات اقتصادی در ایران، تصور کند که می‌تواند فتنه‌های ژئوپلیتکی ضدایرانی را در منطقه اجرا کند، سخت در اشتباهه به سر می‌برد، البته که تجربیات مختلف از جمله «تجزیه سوریه» پیش‌روی این طیف قرار دارد.

■ \* پژوهشگر ارشد اوراسیا و حقوق بین‌الملل

## د

سلطه دلار بر مبادلات مالی دنیا یکی از مهم‌ترین دلایل هژمونی امریکا بعد از فروپاشی شوروی بوده، اما با پدیدار شدن نشانه‌هایی از فروپاشی نظام تک‌قطبی به محوریت امریکا و حرکت جهان به سمت نظام چندقطبی، بسیاری از تحلیلگران دلارزدایی را مهم‌ترین عامل تسریع این‌ روند می‌دانند

اوراسیا نیز توافق کرده‌اند دلار امریکا را از تمامی مبادلات مالی و تجاری خود کنار بگذارند. به ویژه با تحریم‌های ایالات متحده علیه روسیه در یک سال و چند ماه گذشته، یعنی پس از آغاز جنگ اوکراین، حرکت برخی کشورها برای کاهش اتکا به دلار شتاب گرفته است، ضمن اینکه کشورهای چین و روسیه هستند و اکنون کشورهایی مانند هند، برزیل، مالزی، ترکیه، ونزوئلا و ایران نیز رویه مشابهی را در پیش گرفته‌اند. اقدامات اخیر چند رانسای دلارزدایی از مبادلات مالی و تجاری رو آورده‌اند، در رأس این کشورها چین و روسیه هستند و اکنون کشورهایی مانند هند، برزیل، مالزی، ترکیه، ونزوئلا و ایران نیز رویه مشابهی را در پیش گرفته‌اند. اقدامات اخیر چند رانسای دلارزدایی از مبادلات تجاری خود در چند سال اخیر همواره رو به گسترش بوده است. چین موفق شده است در مبادلات ارزی با برخی کشورها مانند روسیه، عربستان سعودی و پاکستان، به توافقی مبتنی بر انجام تعاملات اقتصادی، تجاری و انرژی با از راه‌های ملی دست یابد. پس از سفر ش‌سی جی پینگ، رئیس‌جمهور چین به عربستان سعودی در دسامبر ۲۰۲۲، این دو کشور به توافق رسیدند مبادلات نفتی را با یوان چین انجام دهند.

چین در تجارت بین‌المللی و کاهش نفوذ سیاسی امریکا در غرب آسیا، تأثیرات ان امر، تضعیف هر چه بیشتر جایگاه دلار در تجارت بین‌المللی و کاهش نفوذ سیاسی امریکا در غرب آسیا، تأثیرات تأثیری که اکنون پس از توافق چین با برزیل در فروردین ۱۴۰۲ می‌تواند به نفوذ سیاسی و سسطیره اقتصادی ایالات متحده در امریکای لاتین نیز ضربه مهمی وارد کند. کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی

برای اعمال فشار در راستای رسیدن به اهداف مدنظر کشورهای سلطه گر نیز خواهد بود. نکته دیگر اینکه هر قدر میزان استفاده از دلار در تجارت جهانی و معاملات اقتصادی میان کشورها بیشتر باشد، بانک‌های جهان نیاز بیشتری به تعامل با نظام مالی امریکا خواهند داشت و در نتیجه امریکا توانایی بیشتری برای استفاده از سلاح خواهد داشت. در مقابل هر چه میزان تقاضا و استفاده از دلار کاهش یابد، اقتدار پولی ظاهری امریکا نیز در سطح جهان تضعیف خواهد شد.

■ **استفاده از ارزهای ملی**

اکنون برخی کشورها با توجه به استفاده ایزاری واشنگتن از دلار در راستای اعمال فشار بر دیگر کشورها و نیز تحریم‌های فراینده‌ای که ایالات متحده علیه کشورهای رقیب و مخالف خود اعمال می‌کند، به استفاده از ارزهای ملی برای تبادلات مالی و تجاری رو آورده‌اند، در رأس این کشورها چین و روسیه هستند و اکنون کشورهایی مانند هند، برزیل، مالزی، ترکیه، ونزوئلا و ایران نیز رویه مشابهی را در پیش گرفته‌اند. اقدامات اخیر چند رانسای دلارزدایی از مبادلات تجاری خود در چند سال اخیر همواره رو به گسترش بوده است. چین موفق شده است در مبادلات ارزی با برخی کشورها مانند روسیه، عربستان سعودی و پاکستان، به توافقی مبتنی بر انجام تعاملات اقتصادی، تجاری و انرژی با از راه‌های ملی دست یابد. پس از سفر ش‌سی جی پینگ، رئیس‌جمهور چین به عربستان سعودی در دسامبر ۲۰۲۲، این دو کشور به توافق رسیدند مبادلات نفتی را با یوان چین انجام دهند.

چین در تجارت بین‌المللی و کاهش نفوذ سیاسی امریکا در غرب آسیا، تأثیرات تأثیری که اکنون پس از توافق چین با برزیل در فروردین ۱۴۰۲ می‌تواند به نفوذ سیاسی و سسطیره اقتصادی ایالات متحده در امریکای لاتین نیز ضربه مهمی وارد کند. کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی



بسیاری از کشورها ضرورت کنار گذاشتن دلار از مبادلات اقتصادی را مورد تأیید قرار داده و گام‌هایی در راستای تحقق این امر برداشته‌اند. برخی کارشناسان هشدار داده‌اند اتکای بیش از اندازه امریکا به تحریم‌ها برای پیشبرد اهداف سیاست خارجی و امنیتی این کشور باعث تضعیف جایگاه دلار شده و در نتیجه تغییر سید

است در آینده‌ای نه چندان دور رخ دهد. شاهد این مسئله روند کاهش مستمر سهم دلار در ذخایر ارزی کشورهای جهان است. طبق آمارهای صندوق بین‌المللی پول، از ابتدای سال ۲۰۰۰ میلادی تا پایان سال ۲۰۲۰، سهم دلار از ذخایر ارزی کشورهای مختلف با کاهش تقریباً ۱۳درصدی روبه‌رو شده است. کاهش مورد اشاره، در دوران کرونا و همچنین دوره تورم داخلی امریکا ادامه پیدا کرد تا برای اولین‌بار در قرن جدید سهم دلار از ذخایر کشورها به کمتر از ۶۰ درصد برسد.

با توجه به اینکه اکنون بخش اعظم تجارت جهانی با دلار انجام می‌شود، واشنگتن از

این امر به منزله اهرم فشاری برای اعمال ضربه به کشورهای رقیب و دشمن خود استفاده می‌کند. استفاده ایزاری امریکا از دلار که در قالب اعمال تحریم‌های یکجانبه و ثانویه صورت می‌گیرد، همواره به عنوان یکی از مهم‌ترین انتقاده‌ها به نظام پولی و مالی کنونی جهان که پس از پایان جنگ جهانی دوم تاکنون تحت سلطه غرب به ویژه امریکا بوده، مطرح بوده‌است.

جنت یلن، وزیر خزانه‌داری امریکا در جلسه‌استماع کمیته مالی مجلس نمایندگان امریکا اذعان کرد تحریم‌های امریکا علیه برخی کشورها آنها را به سمت جست‌وجوی ابزارهای پرداخت جایگزین به جای دلار سوق داده و معتقد است کشورهایی که هدف تحریم‌های امریکا قرار می‌گیرند، انگیزه دارند به دنبال ابزارهای پرداخت جایگزین دلار باشند. وزیر خزانه‌داری امریکا تصریح کرد: درست‌است که سلاح مادر برابر کشورهای متخاصم، وضع تحریم علیه آنهاست، اما این تحریم‌ها، آنها را وادار کرده در تکاپوی جایگزینی برای دلار باشند. وی در عین حال مدعی شد اغلب کشورها راه جایگزین قابل توجهی برای دور زدن استفاده از دلار ندارند. یک نماینده کمیته در این جلسه‌استماع از یلن پرسید: «آیا این واقعیت نیست که استفاده از دلار طی سال‌های اخیر در برابر ارزهای رقیب کمتر و تضعیف شده است؟» وزیر خزانه‌داری امریکا در پاسخ گفت: «ذخیره دیگر دارایی‌ها توسط کشورها افزایش پیدا کرده اما این چیزی است که در یک دنیا، این‌رو به توسعه مورد انتظار است و کشورها تمایل دارند ذخایر ارزی خود را متنوع‌سازی کنند.» نماینده دیگر اظهارات یلن را قطع کرد و پرسید: «سپس طبق چیزی که شما می‌گویید، باید منتظر استفاده از دلار باشیم؟» یلن در پاسخ گفت: «باید منتظر باشیم با گذشت زمان به تدریج سهم ارزهای دیگر در ذخایر ارزی کشورها افزایش پیدا کند. این یک تمایل طبیعی برای متنوع‌سازی درایی‌های ارزی است.»